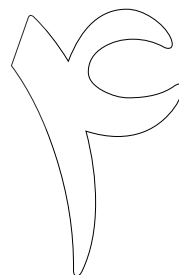


برزیل و اصلاح ساختار شورای امنیت: فرصت‌ها و چالش‌ها

مهدی فاخری *

شمس‌الله عظیمی **

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



* استادیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

mehdi.fakheri@gmail.com

** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

azimishams@gmail.com

تاریخ تصویب: ۹۱/۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۲۸

فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۲۴-۹۳.

چکیده

ساختار نظام بین‌الملل متأثر از نقش بازیگران مهم است. سازمان ملل متحد و شورای امنیت این سازمان، به عنوان یکی از بازیگران تاثیرگذار نظام بین‌الملل به شمار می‌روند. شورای امنیت با توجه به نقش و جایگاهی که دارد، توانسته است در مسائل مهم جهانی ورود کرده و آثار مهمی از خود برجای گذارد. کشورهای قدرتمند عضو دائم این شورا ضمن پی‌گیری منافع جهانی، در پی تحقق اهداف و منافع ملی خود نیز هستند. قدرت مداخله در معادلات جهانی این شورا، بسیاری از کشورهای دیگر را متمایل به عضویت دائم در این شورا کرده‌است؛ برزیل از جمله این کشورها است. کشور برزیل با اتکا به قدرت و نقش منطقه‌ای و جهانی خود و با برخورداری از فاکتورهای گوناگون قدرت و ثروت، درصدد است در کنار ۵ عضو دائم شورای امنیت قرار بگیرد. ویژگی‌های منحصر به فرد این کشور در امریکای لاتین و برخورداری از مولفه‌های مهمی در عرصه جهانی، برزیل را مدعی تکیه بر کرسی دائم شورای امنیت نموده‌است. برزیل با پیشی گرفتن از بسیاری از کشورهای قدرتمند جهانی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، تلاش دارد تفسیری جدید از معادلات جهانی را رقم بزند. برزیل با برنتابیدن قدرت یک‌جانبه امریکا، ضمن حمایت از چندجانبه‌گرایی، سازوکار جهان تک‌قطبی را به چالش کشیده و درصدد گسترش حوزه نفوذ خود از طریق عضویت دائم در شورای امنیت است. چرایی و چگونگی تلاش برزیل برای پیوستن به اعضای دائم شورای امنیت، محور اصلی این پژوهش خواهد بود که در این جهت برزیل با چالش‌ها و فرصت‌هایی روبه‌رو است که بررسی، تحلیل و نتیجه‌گیری از آنها در مقاله حاضر مورد کنکاش قرار گرفته‌است.

واژگان کلیدی: برزیل، ساختار شورای امنیت، اصلاحات، نظام بین‌الملل، سیاست خارجی

مقدمه

بررسی موضوع برزیل و اصلاح ساختار شورای امنیت، به طور ویژه نیاز به فهم دو طرف مسئله یعنی برزیل و شورای امنیت دارد. در این مقاله تلاش خواهد شد برزیل و نقش و جایگاه آن مورد تحلیل واقع شود. فهم برزیل و آگاهی از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی آن، در درک جایگاه برزیل و نقش این کشور در فرایند اصلاح ساختار شورای امنیت راهگشا خواهد بود. نظام بین‌المللی کنونی، متشکل از بازیگران و واحدهای سیاسی متعدد، چهره‌ای پویاتر و پیچیده‌تر از گذشته به خود گرفته است. مولفه‌های قدرت و تأثیرگذاری در سطح جهانی ضمن گسترده شدن، با حفظ نمادهای گذشته، در اشکال جدیدی ظهور کرده‌اند. میزان موفقیت تعامل بازیگران در چنین نظامی، مبتنی بر توانایی به کارگیری از مولفه‌های قدرت رقم می‌خورد. ساختار درهم تنیده معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی در سطح جهان، کشورها را ملزم ساخته است با بهره‌گیری از پارامترهای گوناگون قدرت و با افزایش توان به کارگیری آنها، نقش و جایگاه خود را در نظام بین‌الملل مشخص نمایند. در عصر جدید کشورهایی در حال ظهور هستند که با برخورداری از مولفه‌های سنتی و جدید قدرت، جایگاه ویژه‌ای برای خود در نظام بین‌المللی ایجاد کرده و نقش بسزایی در معادلات جهانی ایفا کنند. برزیل یکی از این جمله کشورهاست. برزیل کشوری در حال توسعه است، قواعد بازی را خوب می‌داند و واحدی سیاسی بین‌المللی است که منافع خود را در فراتر از مرزها و حتی منطقه امریکای لاتین می‌بیند؛ از این رو در سناریوهای جهانی نقشی فعال دارد.

ورود در عرصه جهانی، بی‌تردید نیاز به برخورداری از امکانات ویژه دارد.

حضور در سازمان ملل متحد و به طور خاص شورای امنیت، توان مانور جهانی یک

بازیگر را افزایش می‌دهد. عضویت دائم در شورای امنیت، این امکان را به عضو دائم می‌دهد که در معادلات بین‌المللی موثرتر عمل کند. برزیل در جهت برنامه‌های بین‌المللی خود، تلاش مستمری دارد تا یک کرسی دائم در شورای امنیت تصاحب کند. این ادعا در مدار اصلاحات در ساختار شورای امنیت شکل گرفته است، بدین معنا که برزیل ضمن ضروری دانستن اصلاحات ساختار شورای امنیت، مدعی بوده و کشور خود را شایسته تکیه زدن بر کرسی دائم این شورا می‌داند. در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود که چرا و چگونه برزیل به عنوان یک بازیگر بین‌المللی در جهت اصلاح ساختار سازمان ملل متحد ایفای نقش می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه مورد آزمون ما این خواهد بود که روند صعودی رشد کشور برزیل در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و سهم قابل توجه مشارکت جهانی این کشور، برزیل را بر آن داشت تا با افزایش توانمندی‌های داخلی و نقش‌های بین‌المللی، در راستای منافع کلان خود، کسب کرسی دائم شورای امنیت را در اولویت‌های خود قرار دهد. جایگاه کنونی برزیل مرهون بالا رفتن توانمندی‌های داخلی و منطقه‌ای و در نهایت حضور فعال بین‌المللی است که در زیر به این مناسبت‌ها خواهیم پرداخت.

۱. نقش و جایگاه برزیل در امریکای لاتین

منطقه امریکای لاتین با برخورداری بیش از ۴۰ واحد سیاسی،^(۱) یکی از قابل توجه‌ترین مناطق دنیا به شمار می‌رود. مطلوبیت اقلیمی، وسعت جغرافیایی و جمعیت بیش از پانصد و نود میلیون نفری، امریکای لاتین را به منطقه‌ای ویژه تبدیل ساخته است. مجموعه امریکای لاتین با پشت سر گذاشتن دوره‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی، اکنون در مرحله‌ای از رشد و توسعه به سر می‌برد که نوید آینده‌ای روشن را در پی دارد. در این بین، برزیل بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و قدرتمندترین کشور منطقه محسوب می‌شود. برزیل با وسعتی برابر با ۸/۵۱۴/۸۷۷ کیلومتر مربع، بعد از روسیه، کانادا، چین و ایالات متحده، پنجمین کشور پهناور دنیا محسوب می‌شود. با توجه به اینکه سرزمین یکی از مولفه‌های سنتی قدرت به شمار می‌رود، از این حیث برزیل پنجمین قدرت دنیا است. موقعیت ویژه ژئوپلتیکی و

جغرافیای سیاسی^(۲) این کشور، ظرفیت و توان استراتژیکی بالایی به برزیل داده است. برزیل به غیر از شیلی و اکوادور، با تمام کشورهای امریکای جنوبی هم‌مرز است. بیش از ۷۰۰۰ کیلومتر مرز آبی با اقیانوس اطلس دارد، از شرایط آب و هوایی مطلوبی برخوردار است؛ از منابع طبیعی، آب، جنگل، طلا، نفت، اورانیوم بوکسیت، پلاتینیوم و فسفات به مقدار فراوانی بهره می‌برد و درصد بالایی از آب شیرین منطقه را در خود جای داده است. مجموعه عوامل بالا برزیل را در سطح بالایی از موقعیت ویژه جغرافیای سیاسی و اقتصادی قرار داده است.

وسعت زیاد برزیل، جمعیت فراوانی را نیز در خود جای داده است. طبق آخرین آمار در آوریل ۲۰۱۲، جمعیت این کشور افزون بر ۱۹۹ میلیون نفر برآورد شده است. (The World Factbook, Brazil July 2012) از این حیث نیز برزیل پس از چین، هند، ایالات متحده و اندونزی رتبه پنجم را در دنیا به خود اختصاص داده است. یکی از مولفه‌های بی‌بدیل قدرت، چه در قالب‌های سنتی و چه در مفاهیم مدرن آن، اقتصاد است. قدرت اقتصادی یک کشور، سطح برخورداری از منافع جهانی آن کشور را رقم خواهد زد. البته قدرت اقتصادی زمانی که با فاکتورهای سیاسی درهم تنیده شود، موقعیت چشمگیری را در پی خواهد داشت. مشخصه‌های اصلی قدرت اقتصادی برزیل در سطح منطقه رشد و توسعه در بخش‌های کشاورزی، معادن، خدمات، نیروی کار و جذب سرمایه‌های خارجی است. براساس گزارش بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی بالغ بر ۲/۱ تریلیون دلاری و قدرت خرید بالا، برزیل را قدرت اول اقتصادی امریکای لاتین و نهمین اقتصاد جهانی ساخته است.

برزیل به طور مشخص روند رشد و توسعه خود را از سال ۲۰۰۳ در پیش گرفته است. با انتخاب لویز لولا داسیلوا در این سال و آغاز سیاست‌های اقتصادی، به طور مداوم ثبات اقتصاد کلان، ایجاد ذخایر خارجی، کاهش بدهی‌ها و اشتغال‌زایی روزافزون تاکنون ادامه داشته است. بحران مالی و در پی آن اقتصادی سال ۲۰۰۸، اگرچه به برزیل نیز رسید، اما ساختارهای مستحکم این کشور توان بالایی را در مقاومت در برابر بحران از خود نشان دادند. برزیل یکی از نخستین کشورهایی بود که روند بهبود بازارهای اقتصادی خود را پس از بحران مالی در

پیش گرفت. رشد قابل ملاحظه اقتصادی برزیل در سال ۲۰۱۰ و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بالغ بر ۳۸ میلیارد دلار و همچنین سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلاری برزیل در خارج از کشور، (Schaffer, July, 2009: 8) همینطور افزایش صادرات این کشور گویای این جریان است. (The World Factbook, Brazil) برزیل که زمانی از بدهکارترین کشورها به شمار می‌رفت، تبدیل به یکی از وام‌دهندگان بین‌المللی شده‌است؛ چرا که ذخایر ارزی این کشور از میزان بدهی خارجی‌اش پیشی گرفته‌است. دیلما روسف، رئیس‌جمهور جدید برزیل نیز قول داده است سیاست‌های اقتصادی دولت داسیلوا را ادامه داده و با پایین آوردن نرخ تورم، سرمایه‌های بیشتری را از خارج جذب کند. (Macroeconomic Review, 2011: 4)

برزیل در حوزه نظامی نیز در منطقه امریکای لاتین پیشتاز است. استخدام نیروهای مرد و زن در ارتش که بیش از ۳۷۱ هزار نفر است و اختصاص بیش از ۱/۷ درصد از کل ناخالص داخلی به بودجه نظامی و فعالیت در سه حوزه زمینی، دریایی و هوایی، برزیل را قدرت اول نظامی منطقه کرده‌است. (Brazil's Military, 2010) در بخش انرژی هسته‌ای نیز برزیل در منطقه امریکای لاتین از پیشتازان این صنعت است. این کشور در سال ۲۰۰۶، غنی‌سازی صنعتی را آغاز کرد. برزیل هفدهمین دارنده منابع اورانیم دنیاست و نهمین کشوری است که به فناوری غنی‌سازی اورانیم در مقیاس صنعتی دست یافته‌است. (عظیمی، ۱۳۸۸)

امریکای لاتین با مساحتی بالغ بر ۲۱ میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی ۵۹۰ میلیونی و تولید ناخالص ۵/۱۶ تریلیون دلاری، یکی از مناطق مهم دنیای سیاست و اقتصاد به شمار می‌رود. غالب کشورهای امریکای لاتین، حضوری فعال در نظام بین‌الملل داشته و همه آنها در سازمان ملل عضو هستند. در این بین برزیل جایگاهی ویژه دارد. این کشور، هم به لحاظ ویژگی‌های ملی - منطقه‌ای و هم به لحاظ ویژگی‌های بین‌المللی، نسبت به دیگر کشورهای امریکای لاتین برتری دارد. برزیل چه به دلایل اقتصادی - سیاسی و چه از نظر جمعیتی و سرزمینی و حتی امور نظامی و فرهنگی، نسبت به دیگر کشورهای منطقه پیش‌رو است. دو رقیب اصلی برزیل یعنی مکزیک و آرژانتین، اولی با سه رتبه و دومی با پانزده رتبه، فاصله اقتصادی با برزیل دارند. مکزیک حدود نصف جمعیت برزیل و آرژانتین کم‌تر از

یک چهارم آن را داراست. در وسعت سرزمینی نیز این دو کشور فاصله زیادی با برزیل دارند. از لحاظ نیروی نظامی نیز برزیل قوی‌ترین ارتش منطقه امریکای لاتین را به خود اختصاص داده است. (Ministry of Defense, 2008: 37) برزیل همچنین در اغلب سازمان‌ها و پیمان‌های امریکای لاتین، از جمله مهم‌ترین آنها، مرکوسور، اوناسور، گروه ریو، اتحادیه ملت‌های امریکای جنوبی، عضوی فعال به شمار می‌رود. پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه با کشورهای همسایه نیز موقعیت ویژه‌ای به برزیل بخشیده‌است.

سیاست کلی برزیل در منطقه امریکای لاتین، تقویت و رهبری روندهای چندجانبه‌گرایی از طریق گسترش فعالیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای و به ویژه از طریق بها دادن به نقش سازمان ملل متحد است تا از این رهگذر، اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه امریکا را در سطح جهانی و منطقه‌ای بدون ایجاد تنش مستقیم با آن کشور، مهار کند. اساساً برزیل همگرایی در امریکای جنوبی را اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است و تلاش دارد با همگرایی‌های اقتصادی، پیوندهای سیاسی مورد نظر را نیز ایجاد نماید. (Handbook, 2008: 41) در واقع برزیل براساس شاخص‌های متعدد قدرت، برتری قابل ملاحظه‌ای نسبت به دیگر کشورهای امریکای لاتین داشته و به همین دلیل می‌توان از این کشور به عنوان قدرت نخست منطقه نام برد.

۲. نقش و جایگاه برزیل در نظام بین‌الملل

کشورها به عنوان واحد سیاسی، تشکیل دهنده نظام بین‌الملل هستند. هرکدام از این بازیگران در سطحی از روابط و برتری قراردارند. آگاهی از مقدرات و محدودیت‌های هرکدام از آنها و مطلع بودن از موضوعات و مسائل بین‌المللی این کشورها، در فهم واحدهای سیاسی به ما کمک خواهند کرد. میزان و نحوه مشارکت کشورها در معادلات جهانی نیز بدون تردید در تعیین موقعیت آن نقش بسزایی دارد. بین مشارکت گسترده و توانمندی‌های یک کشور، رابطه‌ای دوسویه برقرار است. به میزانی که توانمندی یک کشور در زمینه‌های گوناگون بالا باشد، فرصت مشارکت در معادلات بین‌المللی نیز فراهم می‌شود و به درجه‌ای که مشارکت در صحنه‌های جهانی گسترش یابد، به توانمندی‌های آن کشور افزوده



خواهد شد. برزیل به عنوان یک بازیگر سیاسی، با برخورداری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که پیش از این ذکر آن رفت، به طور روزافزونی در مناسبات جهانی مشاکت دارد. سابقه حضور جدی برزیل در معادلات بین‌المللی به دو دهه پیش بازمی‌گردد. فرناندو کویور د ملو،^۱ رئیس‌جمهور سابق برزیل، در سخنرانی مراسم آغاز ریاست‌جمهوری خود در ۱۵ مارس ۱۹۹۰ در کنگره برزیل، با توجه به دگرگونی‌های جدید نظام بین‌الملل، به ضرورت افزایش نقش برزیل در عرصه جهانی چنین پرداخت (رفیعی، ۱۳۷۴: ۴-۲۰۳): «پیش از هر موضوع دیگری، تغییرات شگرفی که در روابط بین‌الملل به وجود آمده است را باید مدنظر قرارداد. تحولات جدید اروپای شرقی، به آن دوره از تاریخ روابط بین‌الملل که رویارویی ایدئولوژی‌های شرق و غرب بر آن حاکم بود، پایان داده‌است. جنگ سرد از میان رفته است و در عین حال، مناطق جدید آماده پذیرش قوانین اقتصادی بازارهای بین‌المللی، دموکراسی، حقوق بشر و ترویج آزادی هستند. با وجود چنین تغییراتی، باید در جست‌وجوی راه حلی بود که به برزیل اجازه دهد در بین سایر ملل جایگاه خود را پیدا کند. درهای برزیل به روی دنیا باز خواهد بود، دیپلماسی ما با پشتکار و بدون واگهی به دنبال انواع جدید همکاری‌ها در زمینه‌های اقتصادی، علمی و تکنولوژی و گفت‌وگوهای سیاسی خواهد بود. ناسیونالیسم کاذب که منجر به انزوا می‌شود و عدم اعتماد و کوتاه‌بینی باید کنار گذاشته شوند. سیاست درهای باز با ایجاد ضوابطی ضامن ثبات و جلب اعتماد کسانی خواهد بود که قصد دارند در اینجا سرمایه‌گذاری کنند».

نقل مطلب بالا در اینجا، به سبب نشان دادن نگاه برزیل در آغاز دهه ۱۹۹۰، به نظام بین‌الملل است. در واقع برزیل از همان زمان رویکرد جهانی خود را به صورت جدی در پیش گرفته است. حضور برزیل در عرصه جهانی از آن زمان به بعد، اگرچه با فراز و فرودهایی روبه‌رو بوده است، اما به هر ترتیب سرآغازی بود تا لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور محبوب و سابق برزیل، بتواند کشورش را به عنوان یک بازیگر جهانی به همگان معرفی کند؛ این مسئله حتی در شعار لولا در جریان

1. Fernando Collor de Melo

انتخابات، یعنی «برزیل کشوری برای همه»^۱ نیز قابل مشاهده بود. داسیلوا در سال ۲۰۰۵ که دو سال از حکومتش می‌گذشت، در تشریح سیاست خارجی کشورش گفت (El País, 2005): «در طول دو سال گذشته ما به دنبال بازتعریف جایگاه برزیل در نظام بین‌الملل بوده‌ایم. ما نیاز داریم مسئولیت توسعه کشورمان را به مانند یک ملت مستقل، خود برعهده بگیریم و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی ناشی از خارج را کاهش دهیم؛ و این البته به معنای انزواگرایی نیست. ما تمام تعهداتمان را برای نزدیکی به کشورهای در حال ظهوری چون چین، هند، روسیه و افریقای جنوبی انجام داده‌ایم. برزیل نقشی بنیادی در ساختن جغرافیای تجاری و اقتصاد بین‌المللی جدید دارد. تعهدات ما همچنین بدون هیچ پیش‌داوری، به قدرت‌های بزرگی چون اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و ژاپن نیز پا برجاست».

رویکرد جهان‌شمول برزیل، مبتنی بر درک ظرفیت‌ها و مقدرات داخلی و الزامات بین‌المللی است. دولت مردان برزیل ضمن تأکید بر اینکه اولویت آنها سیاست‌های منطقه‌ای در آمریکای جنوبی است، اما نگاه جهانی در سیاست خارجی برزیل نیز موج می‌زند. برزیل با آگاهی از ضرورت ایفای نقش در منطقه آمریکای جنوبی، از فعالیت‌های گسترده جهانی نیز غافل نمانده است. این کشور با وارد شدن به معادلات جهانی، درصدد افزایش مشارکت خود در مدیریت جامعه جهانی برآمده است. عضویت و حضور فعال در موسسات، گروه‌ها و نهادهای موثر بین‌المللی، جایگاه برزیل در عرصه بین‌الملل را بیش از پیش ارتقا بخشیده است. برزیل در صحنه جهانی و منطقه‌ای، در سازمان‌های بین‌المللی بسیاری عضویت و مشارکت فعال دارد. این کشور در حوزه منطقه‌ای در این سازمان‌های عضو است: سازمان پیمان همکاری آمازون،^۲ ملت‌های جامعه آند،^۳ (به عنوان عضو پیوسته)، انجمن دولت‌های کارائیب^۴ (عضو ناظر)، انجمن همگرایی آمریکای لاتین،^۵ سیستم

1. Brasil: Um pais de Todos
2. Amazon Cooperation Treaty Organization (ACTO)
3. Andean Community of Nations (ACN)
4. Association of Caribbean States (ACS)
5. Latin American Integration Association (LAIA)

اقتصادی امریکای لاتین،^۱ بازار مشترک جنوب،^۲ سازمان دولت‌های امریکایی،^۳ سازمان دولت‌های ایروآمریکن،^۴ گروه ریو، اتحادیه ملت‌های امریکای جنوبی^۵ و جامعه کشورهای امریکای لاتین و کارائیب.^۶

در عرصه بین‌المللی نیز، برزیل در معاهدات و سازمان‌های مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عضویت دارد که در بسیاری از آنها نقش گسترده و فعالی ایفا می‌کند. مهم‌ترین این سازمان‌ها عبارتند از: سازمان ملل متحد، جامعه کشورهای پرتغالی زبان،^۷ معاهده عدم اشاعه هسته‌ای،^۸ اقدامات مالی برای مقابله با پولشویی،^۹ گروه ۱۵، کشورهای غیرمتعهد (عضو ناظر)، گروه ۲۰، گروه ۷۷، سازمان تجارت جهانی، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی،^{۱۰} گروه چهار، کلوپ پاریس (عضو وابسته)، گروه بریک،^{۱۱} گروه ایبسا^{۱۲} و سازمان‌های متعدد دیگری که برزیل در آنها عضو است. حضور در این مراکز مهم سیاست و اقتصاد، با بالابردن قدرت بازیگری یک واحد سیاسی، بر نقش و جایگاه جهانی آن نیز اثرگذار است. در زیر به بررسی روابط دوجانبه و چندجانبه برزیل با برخی از مهم‌ترین سازمان‌ها می‌پردازیم.

۳. برزیل و سازمان ملل متحد

برزیل از امضا کنندگان منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ است. در طول عمر سازمان ملل، برزیل همواره از کشورهای فعال و تأثیرگذار به شمار می‌رود. در حال حاضر، این کشور در تمام آژانس‌های تخصصی ملل متحد عضویت دارد. برزیل یکی از

1. Latin American Economic System (LAES)
2. MERCOSUR
3. Organization of American States (OAS)
4. Organization of Ibero-American States (OIAS)
5. Union of South American Nations (UNASUR)
6. Community of Latin American and Caribbean States (CLACS)
7. Community of Portuguese Language Countries (CPLC)
8. Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT)
9. Financial Action Task Force on Money Laundering (FATF)
10. Organization for the Prohibition of Chemical Weapons (OPCW)
11. BRIC
12. IBSA

کشورهایی است که سابقه‌ای طولانی و موثر در عملیات‌های حفظ صلح از خود به جای گذاشته‌است. تاکنون در ۳۳ عملیات حفظ صلح شرکت داشته و بیش از ۲۷ هزار نیرو در اختیار این عملیات‌ها قرار داده‌است. در سال ۱۹۵۶، نیروهای برزیلی در اولین عملیات اضطراری سازمان ملل در کانال سوئز شرکت داشتند. طبق آمار سال ۲۰۱۱، در حال حاضر برزیل نزدیک به ۲۲۰۰ نفر از نیروهای نظامی و پلیس سازمان ملل در سه قاره از جهان را تأمین کرده‌است. بیشترین نیروهای سازمان ملل در هائیتی^۱ از برزیل است که از سال ۲۰۰۴ در آنجا مستقر شده‌اند. همچنین حضور در عملیات‌های حفظ صلح در کنگو، قبرس، موزامبیک، آنگولا، تیمور شرقی و خاورمیانه را نیز می‌توان به اقدامات برزیل در چهارچوب عملیات‌های سازمان ملل افزود. در حال حاضر برزیل به عنوان یکی از اعضای غیردائم شورای امنیت، اولویت‌های خود را شامل موارد زیر اعلام کرده است: استقرار ثبات در هائیتی، بهبود وضعیت گینه بیسائو، پی‌گیری آرامش و صلح در خاورمیانه، تلاش در جهت خلع سلاح، ارتقاء احترام به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، تقویت عملیات‌های پاسداری از صلح و در پیش گرفتن رویکردی که به حفظ امنیت و حمایت از توسعه اجتماعی و اقتصادی منجر خواهد شد. (Ribeiro Viotti, 2011)

اساساً برزیل در جمع ملل متحد از جمله کشورهای مورد اعتماد و مقبول به شمار می‌رود. برزیل یکی از کشورهایی است که بیشترین دفعات را در عضویت غیردائم شورا به خود اختصاص داده‌است. این کشور در سال‌های ۱۹۴۶-۴۷، ۱۹۴۶-۵۲، ۱۹۵۱، ۱۹۵۴-۵۵، ۱۹۶۳-۶۴، ۱۹۶۷-۶۸، ۱۹۸۸-۸۹، ۱۹۹۳-۹۴، ۱۹۹۸-۹۹، ۲۰۰۴-۵ و ۲۰۱۰-۱۱، از سوی مجمع عمومی به عضویت غیردائم شورا انتخاب شده‌است. حضور ۱۰ مرتبه در شورای امنیت نشان می‌دهد که میزان اعتبار این کشور در نزد دیگر اعضای ملل متحد در سطح بالایی قرار دارد. تأمین بیش از ۱/۶ درصد از بودجه سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ از سوی برزیل، اگرچه این کشور را در ردیف‌های اول تأمین بودجه قرار نمی‌دهد، اما همین مقدار بیش از سهمیه روسیه به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت است.^(۳)

۴. برزیل و گروه ۲۰

اساساً گروه بیست در پاسخ به بحران‌های مالی اواخر دهه ۱۹۹۰ و تأکید بر این مسئله که قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور، به نحو مناسبی در بحث‌های مربوط به اقتصاد جهانی مشارکت داده نشده‌اند، در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد. گروه بیست در واقع متشکل از وزرای اقتصادی - دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو است که به طور سالانه نشست داشته و در مورد اقدامات لازم برای تقویت ثبات مالی جهانی و برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصاد پایدار، مذاکره و بحث کرده و راه‌های متناسب با رشد و توسعه جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهند. گروه بیست اجتماعی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است که برترین اقتصادهای جهان را به خود اختصاص داده‌اند. اعضای این گروه عبارتند از: آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، افریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه، ایالات متحده آمریکا، انگلستان و اتحادیه اروپا.

همانطور که ملاحظه می‌شود، برترین اقتصادهای جهانی در کنار کشورهای در حال توسعه که حجم بالایی از مبادلات اقتصادی را دارند قرار گرفته و با در نظر داشتن مسائل جهانی، رشد و توسعه اقتصادی، ثبات مالی و پیشگیری از بحران‌های مالی - اقتصادی بین‌المللی را دغدغه خود قرار داده و در این راستا برنامه‌های گوناگونی را نیز مورد اجرا قرار داده است. در کنار این اعضا رؤسای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز از شرکت کنندگان در اجلاس‌های این گروه می‌باشند. مجموعه کشورهای گروه بیست، با جمعیتی بیش از دوسوم جمعیت جهان و اختصاص نزدیک به ۹۰ درصد تولید ناخالص ملی و همچنین داشتن ۸۰ درصد تجارت جهانی، یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار در سیاست‌ها و روندهای اقتصادی جهان است. حضور برزیل به عنوان یکی از اعضای این گروه، حاکی از میزان اثرگذاری این کشور در تصمیمات اقتصاد جهانی است. البته تصمیمات و اقدامات این گروه الزاماً مهم‌ترین و تأثیرگذارترین در سطح جهان نیست اما به هر ترتیب، در اختیار داشتن میزان بالایی از اهرم‌های موثر اقتصادی، اهمیت این گروه را افزایش داده است. (The Group of Twenty: A History, 2007) برزیل به عنوان یک

کشور در حال توسعه، در کنار غول‌های اقتصاد جهانی، برای مدیریت موضوعات مالی و اقتصادی، از جایگاه بالایی برخوردار شده است. در بین کشورهای در حال توسعه گروه بیست، برزیل نقشی برجسته‌تر دارد و از اقتصاد بالاتری برخوردار است؛ به طوری که حجم تولید ناخالص داخلی این کشور حتی بیشتر از برخی کشورهای توسعه یافته از جمله فرانسه، ایتالیا و کانادا است. همچنین سطح انطباق برزیل در برخی زمینه‌ها از جمله انرژی، غذا و محصولات کشاورزی، تغییرات آب و هوایی و حوزه‌های اقتصاد کلان، از بسیاری از کشورها حتی برخی از اعضای گروه ۸ نیز پیشی گرفته است؛ از همین رو به اعتقاد گروه تحقیقاتی دانشگاه تورنتو که درباره گروه بیست در حال پژوهش هستند، برزیل در آینده می‌تواند در زمینه‌های زیر به عنوان یک بازیگر پیشرو و یکی از رهبران گروه بیست عمل کند (Kirton, 2011): انرژی و مسئله تغییرات آب و هوایی؛ دموکراسی، حقوق بشر و موضوعات چند فرهنگی؛ تنظیم مقررات مالی داخلی و نظارت بر آن به عنوان نیاز کشورهای در حال توسعه؛ و ارتقاء جامعه مدنی، جوامع دانشگاهی و انجمن‌هایی از این قبیل.

برزیل با در پیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی توسعه‌محور، ضمن ارتقاء سطح کیفی آن در داخل، از جمله بهبود نرخ تورم و تراز تجاری، افزایش تولید ناخالص ملی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش صادرات و کاهش بدهی‌های خارجی، در سطح بین‌المللی نیز با افزایش توان مالی خود اقدام به سرمایه‌گذاری و عقد معاهدات دو جانبه و چندجانبه به ویژه در منطقه امریکای لاتین کرده است. از این رو ضمن بهبود روندهای موثر از جمله حمل و نقل، ارتباطات و آزادی بازار، در بخش مناطق آزاد تجاری و اعمال تعرفه‌های تجاری نیز فعال بوده است. (16 country G20 country brief, 2010: 1. & cases, Brazil, 2003: 24 گروه بیست از سال ۱۹۹۹ به بعد، هر ساله با برگزاری اجلاس‌های سالانه ریاست این گروه را برعهده یکی از اعضا قرار می‌دهد. در سال ۲۰۰۸، در بحبوحه بحران مالی و اقتصادی دهه اول قرن ۲۱، ریاست گروه بیست را برزیل برعهده داشت و اجلاس این گروه در ۸ و ۹ نوامبر ۲۰۰۸، در سائوپائولو برگزار شد.



پیشرفت کشورهای در حال توسعه نام برده‌اند. در این بین لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور پیشین برزیل با صراحت اعلام می‌کند که: «من هیچ تردیدی ندارم گروه بیست ضمن تغییر قاعده بازی سازمان تجارت جهانی، سبب بالا بردن اعتماد به نفس کشورهای در حال توسعه شده است. البته این به آن معنی نیست که ما به نقطه مطلوب رسیده‌ایم، بلکه ما به مراحل پایانی مبارزه با ساختاری از تجارت بین‌الملل رسیده‌ایم که برای کشورهای در حال توسعه بسیار مضر و زیان بار بود. به اعتقاد لولا امروزه جغرافیای سیاسی جدیدی به وجود آمده است که به رشد و توسعه اقتصادی در سراسر جهان کمک می‌کند. (Handbook, 2008: 235)

۵. برزیل و گروه ایبسا

ایبسا^۱ متشکل از سه کشور برزیل، هند و افریقای جنوبی است که در جهت ارتقای همکاری‌های بین‌المللی، بین این سه کشور ایجاد شده است. رهبران سه کشور طی مذاکره‌ای در سال ۲۰۰۳، در حاشیه اجلاس گروه ۸، بنای اولیه ایبسا را گذاشتند. در ششم ژوئن ۲۰۰۳، وزرای خارجه سه کشور طی ملاقاتی در برازیلیا نخستین اعلامیه این گروه سه‌جانبه را ارائه دادند. این اعلامیه در ۲۰ بند به امضاء رسید. (Brasilia Declaration, 2007) مهم‌ترین مسائل مورد مذاکره و توافق وزرای خارجه سه کشور را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: ارتقای همکاری‌های جنوب - جنوب؛ تقویت نهادهای بین‌المللی و چندجانبه و اولویت‌دادن به دیپلماسی و مذاکره برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛ اصلاح ساختار سازمان ملل به ویژه شورای امنیت و گسترش آن در هر دو حوزه اعضای دائم و غیردائم؛ شناسایی و اقدام برای رفع تهدیدهای جدید بین‌المللی از جمله تروریسم، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، بیماری‌های فراگیر از جمله ایدز و مواردی از این قبیل؛ بالا بردن سطح عدالت اجتماعی و از بین بردن همه نوع تبعیض در بین انسان‌ها؛ توجه به تکنولوژی‌های جدید در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ توجه به محیط زیست و پی‌گیری توسعه پایدار؛ تبدیل فرایند جهانی شدن به یک نیروی مثبت برای تغییر در جهت بهبود سطح زندگی همه مردم دنیا؛ و توسعه همکاری‌های

1. IBSA Dialogue Forum (India, Brazil, South Africa)

سه‌جانبه در زمینه‌های گوناگون کشاورزی، آموزش، بهداشت، انرژی، فن‌آوری، تجارت، سرمایه‌گذاری، گردشگری و حمل و نقل.

کشورهای گروه ایبسا تاکنون هفت اجلاس سران دولت‌ها را در سه کشور به طور دوره‌ای برگزار کرده‌اند که هر بار بر مواردی که در اعلامیه نخست به آن اشاره شده بود، تأکید کرده و راه‌های عملیاتی کردن آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. به طور کلی، فعالیت‌های ایبسا را می‌توان در چهار بخش زیر تقسیم کرد: همکاری‌های سیاسی؛ کارگروه‌های متنوع در زمینه‌های کشاورزی، اسکان، علم و تکنولوژی، آموزش، سرمایه‌گذاری و تجارت، فرهنگی، دفاعی، جامعه اطلاعاتی، توسعه اجتماعی، انرژی، محیط زیست و تغییرات آب و هوایی، بهداشت، حمل و نقل و گردشگری، همکاری‌های هواپیمایی و زنان و برابری جنسیتی؛ ایجاد صندوق کمک به توسعه در پروژه‌های قابل اجرا در کشورهای عضو و همچنین برخی کشورهای دیگر. به عنوان نمونه ایبسا در هائیتی و گینه‌بیسائو اقدام به کمک‌های انسان‌دوستانه کرده است. هرکدام از کشورهای عضو سالانه یک میلیون دلار به این صندوق پرداخت می‌کنند؛ و ابتکارات و اقدامات در جهت تشکیل انجمن‌های غیردولتی؛ ایبسا با هدف تعمیق روابط میان ملت‌ها و جوامع کشورهای هند، برزیل و آفریقای جنوبی و تبادل نظر بین آنها زمینه‌های شکل‌گیری انجمن‌های توسعه اجتماعی، بازرگانان، زنان، مجلس، فرهنگی، ویراستاران و دانشگاهیان را فراهم ساخته است.

همان‌طور که ملاحظه شد، ساختار گروه ایبسا در راستای تقویت همکاری‌های جنوب - جنوب پی‌ریزی شده است. در واقع آنچه که امروزه نمود بارزی در عرصه جهانی پیدا کرده است، همکاری‌های چندجانبه بین کشورهای جنوب است. ایبسا مدلی موفق از این نمونه است. تلاش‌های سه کشور هند، برزیل و آفریقای جنوبی در مشارکت جهانی، آنها را در ردیف کشورهای قابل اعتماد قرار داده است. حضور برزیل در این مجموعه بار دیگر از سیاست‌های بین‌الملل‌گرایانه این کشور خبر می‌دهد. در واقع شرکت در ائتلاف‌های بین‌المللی، از برزیل شخصیتی جهانی ساخته است. قدرت انطباق این کشور با ائتلاف‌های گوناگون، ظرفیت انباشته شده‌ای را نمایان می‌سازد که برزیل در طول تاریخ خود به دلیل ناکارآمدی دولت‌های سابق، از آن بی‌بهره بوده است. (Arruda, 2010, 18)

برزیل و گروه بریک^۱

چهار کشور روسیه، چین، برزیل و هند که از بزرگ‌ترین کشورهای جهان نیز به شمار می‌روند، تشکیل دهنده گروه چهار بزرگ یا همان بریک هستند. اصولاً آنچه امروزه گروه‌های بزرگ جهانی را شکل می‌دهد و موجب استمرار و یا گسترش آن می‌شود، موضوعاتی است که حول محور اقتصاد می‌چرخد. در واقع مولفه اقتصاد در دنیای کنونی، نقطه کانونی بسیاری از گردهمایی‌ها و گروه‌های بین‌المللی است. گروه بریک نیز بر همین اساس وارد عرصه معادلات جهانی شد. البته محور قرارگرفتن موضوع اقتصاد، بدین معنا نیست که این گروه‌ها اتحادی سیاسی تشکیل نمی‌دهند. به هر ترتیب، سیاست جزء لاینفک هر ائتلاف و اتحادی است، اما آنچه هسته اصلی این گروه‌ها را شکل می‌دهد، پیوندهای اقتصادی است. بریک نیز در سال ۲۰۰۶، با هدف گسترش مناسبات اقتصادی بین چهار کشور و همچنین مدیریت مالی و اقتصادی در سطح جهان، موجودیت خود را اعلام کرد. (Hounshell, 2011)

منطقه بریک بیش از ۳۸/۵ میلیون کیلومتر از سرزمین‌های جهان را به خود اختصاص داده است که در نوع خود یکی از بزرگ‌ترین ائتلاف‌های سرزمینی به شمار می‌رود. این چهار کشور در مجموع نزدیک به سه میلیارد نفر جمعیت را در خود جای داده‌اند که این خود نزدیک به چهل درصد از جمعیت جهانی است. طبق آخرین برآوردها در سال ۲۰۱۰، تولید ناخالص داخلی این کشورها در مجموع بالغ بر ۱۸/۴ تریلیون دلار شده است. مجموع این عوامل بریک را یک ائتلاف بسیار قدرت‌مند ساخته است که توان اثرگذاری بر بسیاری از معادلات جهانی را خواهد داشت. هر یک از کشورهای بریک به طور روزافزونی در حال رشد و توسعه اقتصادی هستند و در آمار جهانی، در بسیاری از زمینه‌ها در رتبه‌های بسیار خوبی قرار دارند. جذابیت‌ها و توانمندی‌های این گروه تا حدی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه تمایل بسیاری برای پیوستن به این گروه را دارند؛ از آن جمله می‌توان مکزیک، کره جنوبی، افریقای جنوبی، ترکیه و حتی اتحادیه اروپا را نام

برد. در آخرین اجلاس بریک در چهاردهم آوریل ۲۰۱۱، از افریقای جنوبی برای شرکت در این اجلاس دعوت به عمل آمد و به احتمال زیاد از این پس این کشور نیز به جمع بریک خواهد پیوست؛ به طوری که در حال حاضر بریک نام خود را به بریکس^۱ تبدیل کرده است.

جدول شماره (۱). رتبه‌بندی کشورهای بریک در زمینه‌های مختلف در سطح جهان

کشورهای بریک	چین	هند	روسیه	برزیل
زمینه‌ها				
سرزمین	۳	۷	۱	۵
جمعیت	۱	۲	۹	۵
نیروی کار	۱	۲	۷	۵
تولید ناخالص داخلی	۲	۵	۷	۹
صادرات	۱	۱۶	۱۱	۱۸
واردات	۲	۱۱	۱۷	۲۰
جذب سرمایه خارجی	۵	۲۹	۱۲	۱۱
ذخایر ارزی خارجی	۱	۶	۳	۷
کاربران اینترنت	۱	۴	۷	۵
هزینه‌های نظامی	۲	۱۰	۵	۱۲

حضور برزیل در کنار دیگر قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان، نقش روزافزون این کشور را در مناسبات و معادلات جهانی ترسیم می‌کند. عرض اندام برزیل در چنین گروه‌هایی، توانمندی و تمایل این کشور را در مشارکت بیش از پیش جهانی، نوید می‌دهد. کسب قدرت اقتصادی اول در منطقه امریکای لاتین و عضویت در باشگاه بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، اعتماد به نفس برزیلی‌ها برای ادعای کرسی دائم شورای امنیت را بالا برده است. جایگاه اقتصادی و به تبع آن جایگاه سیاسی این کشور، تا حدی افزایش پیدا کرده است که صحبت‌هایی مبنی بر حضور برزیل در جمع کشورهای گروه ۸ می‌شود. برزیل یکی از پنج کشوری است که به همراه مکزیک، افریقای جنوبی، چین و هند، از سال ۲۰۰۵ به بعد به جلسات گروه ۸ دعوت می‌شوند (Schaffer, 2009: 78) گروه ۸، بی‌شک بزرگ‌ترین اجتماع رسمی اقتصادی، صنعتی و سیاسی کشورهای پیشرفته جهان است. پیوستن برزیل به این

گروه قدرتمند، آینده‌ای درخشان را برای این کشور رقم خواهد زد و این البته مبتنی بر اطلاعات و واقعیت‌هایی است که درباره پیشرفت برزیل وجود دارد. براساس گزارشی که از سوی موسسه کوپرس^۱ در سال ۲۰۰۸ چاپ شد، برزیل در سال ۲۰۵۰ در سکوی چهارمین اقتصاد بزرگ جهانی خواهد ایستاد. (Hawksworth, 2008)

۶. برزیل و گروه ۴

چهار کشور آلمان، ژاپن، برزیل و هند، با تکیه بر قدرت بالای اقتصادی و تاثیرات مهم بین‌المللی خود و با درک این موضوع که توانایی و شایستگی پیوستن به شورای امنیت به عنوان اعضای دائمی را دارند، تصمیم به اقدامی مشترک در این زمینه گرفتند. در سپتامبر سال ۲۰۰۴، در حاشیه نشست مجمع عمومی ملل متحد، رئیس‌جمهور برزیل، نخست‌وزیر ژاپن، نخست‌وزیر هند و وزیر خارجه آلمان، ضمن ملاقات با یکدیگر، با موضوع عضویت دائم در شورای امنیت، به گفت‌وگو نشستند. ماحصل این ملاقات، صدور بیانیه مشترکی بود که در آن خواستار عضویت دائمی در شورای امنیت داده بودند. این نخستین اعلام حضور گروه چهار در مجامع بین‌المللی بود. ملاقات دوم نمایندگان این کشورها در ۳۱ مارس ۲۰۰۵، در سازمان ملل صورت پذیرفت که طی آن اعلام کردند برای اجلاس سران در سپتامبر همان سال، پیش‌نویس اولین قطعنامه خود مربوط به اصلاح ساختار شورای امنیت را ارائه خواهند کرد. چهار ماه پیش از اجلاس سران سال ۲۰۰۵، در ۱۳ می، پیش‌نویس قطعنامه مذکور به صورت غیررسمی در بین اعضای سازمان توزیع شد. در این پیش‌نویس، به تجدید ساختار شورای امنیت پرداخته شده است که ضمن آن به افزایش اعضای جدید، اصلاح منشور مطابق ماده ۱۰۸ و ضرورت و نحوه اصلاح روش‌های کاری شورای امنیت، اشاره شده بود.^(۴) براساس این طرح، گروه چهار پیشنهاد افزایش ۱۰ عضو جدید به شورای امنیت را مطرح می‌سازد که به این ترتیب، تعداد کرسی‌های شورا به ۲۵ عضو افزایش پیدا می‌کند. شش عضو از

اعضای جدید به صورت دائمی^۱ و چهار عضو به طور غیردائم^۲ خواهند بود. الگوی توزیع کرسی‌ها در بخش دائم به این ترتیب است: دو عضو از کشورهای افریقایی؛ دو عضو از آسیا؛ یک عضو از امریکای لاتین و حوزه کارائیب؛ یک عضو از اروپای غربی و دیگر دولت‌ها. همچنین الگوی کرسی‌های غیردائم نیز به ترتیب زیر است: یک عضو از افریقا؛ یک عضو از آسیا؛ یک عضو از اروپای شرقی؛ یک عضو از امریکای لاتین و حوزه کارائیب.

رویه انتخاب شدن اعضای دائم جدید نیز برطبق پیش‌نویس بدین صورت است که داوطلبین درخواست خود را به صورت مکتوب به رئیس مجمع عمومی تسلیم کرده و در نهایت با مطرح شدن درخواست در مجمع عمومی، با کسب دوسوم آرا (۱۲۸ رأی)، انتخاب صورت می‌پذیرد. نگاه خوش‌بینانه و حداکثری کشورهای گروه چهار، موجب شد آنها در پیش‌نویس طرح خود، خواستار تمام مسئولیت‌ها و تعهداتی شدند که اعضای دائم فعلی از آنها برخوردار هستند. در واقع بارزترین و مهم‌ترین جنبه این موضوع در اختیار گرفتن حق وتو بود. با پذیرش همه تعهدات و مسئولیت‌های یک عضو دائمی، بدون شک برخورداری از حق وتو نیز محقق می‌شود که این امر مشخصاً مخالفت‌هایی را در آینده برای گروه چهار در پی داشت.

کشورهای گروه چهار سعی کرده‌اند در طرح خود جوانب گوناگون را بسنجند تا در فرایند تصویب آن در مجمع عمومی، با مشکلی مواجه نشوند. اغلب کشورهای عضو مجمع از قاره‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین هستند. بی‌تردید برای کسب دوسوم آرای مجمع عمومی، پشتیبانی این کشورها لازم است؛ از این‌رو گروه چهار تلاش کرده است در طرح خود به تناسب جمعیت قاره‌ها، توزیع کرسی داشته باشد. با وجود اینکه هیچ کشوری از افریقا در بین کشورهای گروه چهار نیست، اما این گروه دو کرسی دائم را برای افریقا تعریف کرده و در ضمن از افریقای جنوبی برای عضویت دائم نیز حمایت می‌کند.

در بین کشورهای گروه چهار نیز تفاوت رویکرد مشاهده می‌شود. با وجود

1. Permanent Membership

2. Non-permanent Membership

اینکه هند و برزیل با شدت تمام موقعیت جدید را پی‌گیری می‌کنند، آلمان و ژاپن با احتیاط بیشتری گام بر می‌دارند. آلمان در تلاش است بین خواسته‌های این گروه و تعهدات اروپا تعادل ایجاد کند، از این‌رو میانه‌روی را در پیش گرفته تا ضمن جلب حمایت فرانسه و انگلستان، از شانس بیشتری در کسب دوسوم آرای مجمع عمومی برخوردار باشد. (Martini, UN Security Council Reform, Current Developments: 4) ژاپن نیز در تلاش است تا با همراه ساختن امریکا با خود، عضویت دائم خود را با پشتیبانی این کشور پی‌گیری نماید. ژاپن به ویژه پیشنهاد داده است که اعضای دائم جدید در ابتدای کار خود می‌توانند به حق و تو دست پیدا کنند، اما همزمان تعهد می‌دهند که تا زمان بازبینی منشور سازمان، حق استفاده از آن را نداشته باشند.

(Jakob S. Lund and Daniel Safran-Hon, 2008)

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، رویکرد حداکثری گروه چهار، در ابتدا سبب شد که این کشورها در طرح خود حق و تو را نیز برای خود مطالبه کنند. تقاضای داشتن حق و تو دوگونه مخالفت برای آنها به ارمغان آورد. پنج کشور عضو دائم شورا، این طرح را در جهت تقسیم قدرت بین خود و اعضای جدید دیدند و از این‌رو با این موضوع به مخالفت برخاستند. برخی کشورهای عضو دائم اگرچه رسماً از پیوستن اعضای دائمی جدید استقبال کرده و حتی از طرح گروه چهار حمایت به عمل آوردند (UK-France Summit Declaration, 2008) اما در ارتباط با واگذاری حق و تو به این اعضای جدید به شدت مخالفت کرده‌اند. امریکا بارها از پیوستن برخی کشورها به ویژه ژاپن و هند استقبال کرده اما در ارتباط با حق و تو موضع سرسختانه‌ای در پیش گرفته است. از سوی دیگر، بقیه کشورها نیز با واگذاری حق و تو به گروه چهار به مخالفت برخاسته‌اند. این کشورها استدلال می‌کنند که گسترش حق و تو به اعضای جدید، نه تنها صلح و امنیت بین‌المللی را تضمین نمی‌کند بلکه منجر به اختلال در روند تصمیمات مهم بین‌المللی خواهد شد.

به نظر می‌رسد گروه چهار با درک شرایط زمانی و با دریافت واکنش‌های شدید گروه‌های مختلف در ارتباط با حق و تو، دوره آزمون و خطای حق و تو را پایان داد و پذیرفت که در حال حاضر از داشتن این حق صرف نظر کند. در واقع

گروه چهار با آگاهی به این که برای کسب دوسوم آرای مجمع عمومی نیاز به موافقت کشورهای گوناگون دارد، دست به اصلاح پیش‌نویس خود زد تا از این طریق آرای بیشتری را به سمت خود جلب نماید؛ از این رو در هشتم ژوئن ۲۰۰۵، با اصلاح نسخه قبلی پیش‌نویس، اعطای حق وتو به اعضای دائمی جدید را به کنفرانس بازنگاری منشور در سال ۲۰۲۰ موکول کرد. یک ماه پس از اصلاح پیش‌نویس از سوی گروه چهار، در ششم جولای ۲۰۰۵، نسخه نهایی^(۵) آن به طور رسمی در دستورکار مجمع عمومی قرارگرفت و از سوی دبیرخانه مجمع نیز منتشر شد.

۷. فرصت‌ها و چالش‌های برزیل

۷-۱. فرصت‌های برزیل

پیش‌تر در این مقاله موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی برزیل را بررسی کردیم و ضمن آشنایی با شرایط منطقه‌ای این کشور، ظرفیت‌های جهانی آن را نیز موردنظر قراردادیم. هر آنچه که در ارتقاء جایگاه ویژه برزیل چه در سطح امریکای لاتین و چه در سطحی کلان‌تر موثر واقع شده است، در زمره فرصت‌هایی است که برزیل را برای رسیدن به کرسی دائم شورای امنیت کمک خواهد کرد. ایفای نقشی فعال در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، برزیل را به صندلی دائم شورای امنیت نزدیک‌تر ساخته است. حضور در نهادها و گروه‌های مهم اقتصادی جهانی، ایفای نقشی پررنگ و تأثیرگذار در سازمان ملل و عملیات‌های این سازمان و تلاش در حل و فصل مسائل و بحران‌های بین‌المللی، توجه جامعه جهانی را به برزیل جلب کرده است. تمایل این کشور برای ورود به مدار میانجی‌گرایانه را می‌شود در موضوع هسته‌ای ایران نیز مشاهده کرد. برزیل به همراه ترکیه، در کنار بازیگران قدرتمند دیگر این موضوع یعنی ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین و روسیه، تلاش کرد نقشی میانه در پیش گرفته و حلقه پیوند دوطرف مذاکره باشد؛ از این رو در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ در تهران، همراه با ترکیه و ایران، بیانیه هسته‌ای تهران را امضا کرد.

برزیل همچنین نگاه هوشمندانه‌ای به تعداد قابل ملاحظه کشورهای جهان



عرب داشته است. وجود حدود ۲۳ کشور عربی با جمعیتی بالغ بر ۳۵۰ میلیون جمعیت، ضمن اینکه می‌تواند بازار خوبی برای محصولات برزیلی باشد، آرای این کشورها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز برای عضویت دائم برزیل بسیار حائز اهمیت است. در حال حاضر برزیل با شماری از کشورهای عربی موافقت‌نامه‌های دوجانبه امضا کرده است. سفرهای متعدد لولا، رئیس‌جمهور سابق و وزیر خارجه‌اش، سلسو آموریم^۱ به کشورهای عربی، حاکی از این تمایل و هدف است. میزان مبادلات تجاری بین دوطرف نیز نشانگر سطح روابط تجاری و اقتصادی برزیل و جهان عرب است. در حال حاضر، این میزان به رقمی بالای ۱۰ میلیارد دلار رسیده است. (Promotes Agribusiness Trade, 2010 Brazil)

از فرصت‌های دیگر برزیل، موقعیت ویژه این کشور در نزد کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است. برزیل به عنوان نمونه‌ای از کشورهای در حال توسعه همواره سیاست‌هایی میانه‌رو داشته و از این طریق توانسته است در مجامع عمومی بین‌المللی، از موقعیت خاصی برخوردار شود. جلب آراء این کشورها برای برزیل بسیار مفید خواهد بود. در بین کشورهای عضو دائمی شورای امنیت نیز برزیل موقعیت ویژه‌ای دارد. در نوامبر سال ۲۰۱۰، درست یک روز بعد از اینکه اوپاما در هند از عضویت دائم آن کشور حمایت کرد، ویلیام هیگ^۲ وزیر خارجه انگلیس از نامزدی برزیل در شورای امنیت پشتیبانی به عمل آورد و گفت: «ما برنامه اصلاح سازمان ملل متحد را پی‌گیری خواهیم کرد که شامل گسترش شورای امنیت با عضویت دائم برزیل در آن خواهد بود». (Rathbone, 2010)

نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه نیز در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۸، در جریان بازدیدش از برزیل، از تلاش این کشور برای عضویت دائم در شورای امنیت حمایت کرد. سارکوزی تأکید کرد با توجه به نقش مهم برزیل در جامعه جهانی و جایگاه این کشور در نهادهایی چون گروه ۲۰، هیچ شکی نیست که برزیل شایستگی ورود به جمع اعضای دائم شورا را دارا است. سارکوزی صریحاً بیان داشت که نظام بین‌الملل برای مدیریت جهانی به حضور برزیل به عنوان یکی از

1. Celso Amorim
2. William Hague

رهبران این روند نیاز دارد. (France Backs Brazil, 2008) وزیر خارجه فرانسه، میشل آلوت ماریه^۱ در فوریه ۲۰۱۱ در برزیل، در جریان ملاقاتش با دیلماروسف، رئیس‌جمهور برزیل، بار دیگر بر نقش و جایگاه بین‌المللی برزیل تأکید کرده و حمایت کشورش از پیوستن برزیل به جمع اعضای دائم شورای امنیت را اعلام کرد. (France Backs Brazil, 2011)

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در سال ۲۰۰۵، زمانی که لولا داسیلوا به روسیه سفر کرده بود، طی سخنانی ضمن ضروری دانستن اصلاحات در ساختار سازمان ملل متحد و گسترش شورای امنیت، گفت برزیل به عنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی شایستگی تصاحب کرسی دائم شورای امنیت را داراست. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نیز در دسامبر ۲۰۱۲، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی راشا تودی با تأکید بر اینکه روسیه هم خواستار گسترش اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، با توجه به افزوده شدن اعضای دائم جدید به این ارگان بین‌المللی است، یادآور شد که کشورهایی مانند هند و برزیل شایستگی آن را دارند تا به عضویت دائم شورای امنیت درآیند. (Russia Supports UN Security Council Reform, 2012) چین نیز اگرچه موضعی دوگانه در زمینه اصلاحات شورای امنیت دارد، به طوری که هم از گروه اتحاد برای اجماع حمایت می‌کند و هم از طرح گروه چهار، به هر ترتیب در جریان مذاکرات گروه بریک در آوریل ۲۰۱۱، از پیوستن کشورهای عضو بریک یعنی هند، آفریقای جنوبی و برزیل به شورای امنیت پشتیبانی کرد.

۲-۷. چالش‌های برزیل

برزیل نیز همچون دیگر کشورهای گروه چهار، برای تصاحب کرسی دائم شورای امنیت با دو سطح چالش منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌رو است. بزرگ‌ترین چالش بین‌المللی برزیل را می‌توان آینده روابط دو کشور و جلب نظر ایالات متحده برای حمایت از برزیل دانست. ایالات متحده آمریکا همواره پس از روی کار آمدن لولا داسیلوا در سال ۲۰۰۳، اگرچه با یک دولت راست‌گرا روبه‌رو نبود، اما تلاش روزافزونی برای محکم کردن پیوندهای دوجانبه داشت. آمریکا خوب می‌داند برزیل قدرت اول

امریکای لاتین هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ اقتصادی است. حضور در امریکای لاتین، بدون در نظر داشتن نقش برزیل بی‌فایده خواهد بود، از این‌رو دولت‌های ایالات متحده جایگاه برزیل در منطقه را پذیرفته‌اند. اوباما در سفر سال ۲۰۱۱ خود به برزیل، ضمن ستایش از پیشرفت آن کشور و نمونه خواندن آن در کشورهای جهان، به ویژه برای جهان عرب، همچنان از اعلام حمایت صریح از عضویت دائمی برزیل در شورای امنیت سر باز زد. (Washingtonpost, 2011) برزیل گرچه انتظار داشت اوباما همچنان که از عضویت هند با صراحت حمایت کرده بود از برزیل نیز پشتیبانی کند، اما اوباما حرفی در این باره نزد و همچنان حمایت کشورش از برزیل را در هاله‌ای از ابهام باقی گذاشت. برخی عقیده دارند، چنین موضعی از سوی امریکا به دلیل مخالفت برزیل با امریکا در برخی از تصمیمات بین‌المللی از جمله مخالفت با قطعنامه تحریم علیه ایران در سال ۲۰۱۰ بود. (Abdenur, 2011)

در سطح منطقه‌ای، برزیل به طور ویژه با مخالفت مکزیک و آرژانتین و در سطحی پایین‌تر با مخالفت کلمبیا و کاستاریکا روبه‌رو است. آرژانتین به عنوان رقیبی دیرینه، همواره برزیل را در مقابل خود دیده است. اگرچه این دو کشور ضمن داشتن پیوندهای دوجانبه، در نهادهای چندجانبه نیز همکاری دارند، اما رقابت‌های منطقه‌ای آنها همچنان پابرجا باقی مانده است. آرژانتین البته خوب می‌داند که در زمینه‌های مختلف که از مولفه‌های قدرت نیز به شمار می‌روند، از جمله سرزمین، جمعیت، تولید ناخالص داخلی، ارتباطات و جایگاه جهانی و مواردی از این قبیل نسبت به برزیل ضعیف است، اما همچنان خود را رقیبی سرسخت برای برزیل نشان می‌دهد. یکی از معضلات برزیل که در همین راستا نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد، زبان رسمی این کشور است. در حالی که اغلب کشورها در این منطقه اسپانیایی زبان هستند، برزیل به زبان پرتغالی تکلم می‌کند. آرژانتین و حتی مکزیک با بیان اینکه زبان اکثر کشورهای امریکای لاتین اسپانیایی است، ادعا دارند از این منطقه کشوری که تجانس بیشتری با دیگر کشورها دارد باید به عضویت دائمی شورای امنیت انتخاب شود.

آرژانتین با عضویت در کلوپ قهوه،^(۶) آشکارا مخالفت خود را با برزیل را اعلام کرده است و از آنجا که می‌داند شناسی برای کسب عضویت دائم نیز ندارد، همواره

برای گسترش شورای امنیت در بخش غیردائم تأکید داشته است. در جریان ملاقات وزرای خارجه کشورهای امریکای لاتین و اتحادیه اروپا، وزیر خارجه وقت آرژانتین، رافائل بیالسا^۱ اعلام کرد خواسته برزیل برای عضویت در شورای امنیت غیرمنطقی و خلاف اصول دموکراتیک است و اگر برزیل در شورای امنیت کرسی دائم کسب کند، نوعی عدم توازن در امریکای لاتین ایجاد خواهد شد. (EU Troika, 2005)

مکزیک دیگر مخالف جدی برزیل در امریکای لاتین است. مکزیک نیز همچون آرژانتین در گروه اتحاد برای اجماع در مقابله با گروه چهار فعالیت می‌کند. اگرچه مکزیک پس از امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی^۲ (نفتا) با امریکا و کانادا در ۱۹۹۱، به سمت امریکای شمالی گرایش پیدا کرده است، اما همچنان سهم خود را در امریکای لاتین جست‌وجو کرده و تصاحب کرسی دائم شورا توسط برزیل را مخالف قواعد منطقه می‌داند.

نتیجه‌گیری

تمایل برزیل برای کسب کرسی دائم شورای امنیت، مبتنی بر واقعیت‌هایی است که برزیل در طول سال‌های گذشته به طور مستمر آنها را برای خود ایجاد کرده و این مولفه‌ها برزیل را به تکیه دادن بر صندلی دائم شورا نزدیک‌تر ساخته است. واقعیت‌هایی که ناشی از برنامه‌ریزی و نگاه بلندمدت دولت‌مردان این کشور است. ظرفیت‌سازی بین‌المللی و استفاده از حداکثر توان مشارکت جهانی، گام‌های برزیل را استوارتر ساخته است. پیوستن به شورای امنیت به عنوان عضو دائم، موضوعی است که برزیل اعلام کرده حاضر است همه هزینه‌های آن را بپردازد. (روزنامه ایران، ۱۳۸۴) برزیل در مواجهه با مسئله عضویت، کرسی دائم را حق خود می‌داند. موقعیت‌های برتر این کشور در امریکای لاتین و مشارکت گسترده‌اش در سازمان ملل، این کشور را بر آن داشته است که بر مبنای رعایت عدالت، برزیل می‌بایست به عضویت دائم شورا درآید. سلسو آموریم، وزیر خارجه سابق برزیل در سال ۲۰۰۵، در اجلاس داووس این مسئله را چنین مطرح می‌کند: «عزم برزیل برای

1. Rafael Bielsa

2. North American Free Trade Agreement

اصلاحات ساختاری در سازمان ملل به اصل عدالت مربوط می‌شود و صرفاً انعکاسی از آرزوی برزیل نیست». وی همچنین در جای دیگری دلیل واقعی برزیل برای کسب کرسی دائم شورای امنیت را نه تنها استفاده از حق وتو نمی‌داند بلکه می‌گوید کشور من خواهان پذیرش مسئولیت‌های مهم جهانی است. رئیس‌جمهور جدید برزیل، دیلما روسف نیز در آخرین اظهارنظرش در ارتباط با اصلاح ساختار شورای امنیت در جریان شصت و ششمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۱، عنوان کرد: «دنیا نیازمند یک شورای امنیتی است که منعکس کننده واقعیت معاصر باشد و اعضای جدید دائمی و غیردائمی را، خصوصاً از نمایندگان کشورهای در حال توسعه، به خود ملحق کند. برزیل آمادگی دارد وظایف خود را به عنوان یک عضو دائمی شورا برعهده بگیرد». (Rousseff, 2011)

مسیر کسب کرسی دائم شورای امنیت برای برزیل، مسیری دشوار است. برزیل از ظرفیت‌ها و امکانات مناسبی برای این جایگاه برخوردار است اما فائق آمدن بر چالش‌ها و موانع پیش‌رو نیز بسیار سخت خواهد بود. به نظر می‌رسد برزیل البته توان رویارویی با موانع را نیز در خود ذخیره کرده است. در حال حاضر، چهره مثبتی از این کشور در سراسر جهان به وجود آمده است. نباید نقش موثر رئیس‌جمهور سابق و توانمند برزیل، لولا داسیلوا را در این میان نادیده گرفت. قدرت اجماع‌سازی و ظرفیت‌سازی بین‌المللی لولا ستودنی بود. در مدت ریاست جمهوری وی، شناختی که دیگر کشورها از برزیل به دست آوردند، در مقایسه با گذشته بسیار متفاوت است. در حال حاضر، وقتی صحبت از برخی مسائل و موضوعات مهم بین‌المللی از جمله محیط زیست و تغییرات آب و هوایی، انرژی هسته‌ای، تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارجی و صلح و امنیت جهانی می‌شود، بدون تردید برزیل نیز در این موضوعات وارد می‌شود و حتی نقشی موثر ایفا می‌کند.

برزیل در عرصه سیاست خارجی با پی‌ریزی برنامه‌های بلندمدت و اجرای موفق آن، ضمن ائتلاف‌سازی در سطح منطقه‌ای، فراتر از آن در نظام بین‌الملل، پیوندهای خود با بازیگران اصلی آن یعنی نهادهای چند جانبه‌ای چون سازمان ملل، سازمان تجارت جهانی و واحدهایی مانند چین، اتحادیه اروپا و ایالات متحده را تقویت کرد. مجموعه عوامل فوق، برزیل را در موقعیتی قرار داده است که تصاحب

کرسی دائم شورای امنیت را ضرورتی انکار ناپذیر می‌پندارد و در جهت آن از هیچ تلاشی فروگذار نیست.

برزیل بزرگ‌ترین و قوی‌ترین کشور آمریکای لاتین، با سرعتی چشم‌گیر، خود را به جمع کشورهای بزرگ و با نفوذ جهانی وارد کرده است. برخورداری از سرزمین، جمعیت و قدرت اقتصادی برتر، این کشور را نامزدی جدی برای عضویت دائم شورا کرده است. همکاری‌های گسترده و روزافزون برزیل با ارکان گوناگون سازمان ملل، به ویژه با شورای امنیت، توانمندی این کشور را در برعهده گرفتن مسئولیت‌های بزرگ جهانی به نمایش گذاشته است. در پیش گرفتن سیاست چندجانبه‌گرایانه و برتابیدن برخی از سیاست‌های جهانی آمریکا، تبدیل به یکی از دشواری‌های برزیل برای عضویت دائم در شورا شده است. ایالات متحده به ویژه در قضیه تحریم ایران که با مخالفت برزیل روبه‌رو شد، سیاست‌های برزیل را مخالف برنامه‌های جهانی خود می‌بیند و از این‌رو، در سفر اخیر اوباما در سال ۲۰۱۱ به برزیل، هیچ حمایتی از سوی آمریکا برای عضویت دائم برزیل شاهد نبودیم. در منطقه آمریکای لاتین نیز برزیل با مخالفت‌های آرژانتین، مکزیک، کلمبیا و کاستاریکا روبه‌رو است که این در مقابل حمایت بقیه کشورهای آمریکای لاتین که از عضویت برزیل حمایت می‌کنند، ناچیز به نظر می‌آید، اما مخالفت‌های سازمان یافته آرژانتین و مکزیک در قالب کلپ قهوه می‌تواند در جلب آرای منفی برای برزیل، به ضرر این کشور تمام شود.

در پاسخ به چرایی و چگونگی ایفای نقش برزیل در اصلاح ساختار شورای امنیت، فرضیه ما بر این پایه استوار بود که روند صعودی رشد کشور برزیل در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و سهم قابل توجه مشارکت جهانی آن، برزیل را به سمتی سوق داد تا با همراهی دیگر کشورهای گروه چهار و پشتیبانی از یکدیگر، اقدام به تلاش در جهت اصلاحات ساختار سازمان ملل متحد کرده و در نهایت ادعای عضویت دائم شورای امنیت را داشته باشد. همان‌طور که در متن مقاله ملاحظه شد، برزیل براساس اطلاع از امکانات و مقدرات داخلی خود و همچنین با آگاهی از نقش و جایگاه بین‌المللی خود، حضوری گسترده و فعال در مناسبات جهانی دارد. پیوند سیاست‌های توسعه‌محور داخلی و سیاست خارجی با محوریت مشارکت

بین‌المللی برزیل، سبب شده است رشد برزیل در حوزه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی روندی صعودی به خود بگیرد. گستره وسیعی که این کشور در تعریف از سیاست خارجی خود در نظر دارد، غرب تا شرق و شمال تا جنوب را در بر می‌گیرد. اگرچه برزیل از رهبران کنونی روابط جنوب - جنوب به شمار می‌رود، اما این سیاست موجب نشده است مناسبات اقتصادی و سیاسی این کشور با جهان اول و کشورها و گروه‌های بزرگ جهانی تحت‌الشعاع قرار بگیرد. برزیل اگرچه یکی از پیشروان کشورهای در حال توسعه است، اما به خوبی بر این نکته واقف است که برای تکیه دادن بر کرسی دائم شورای امنیت، ضرورت دارد تا در همه قالب‌های جهانی از جمله در باشگاه کشورهای بزرگ اقتصادی، نقش فعال‌تری ایفا کند.

بنابراین، اگر چرایی تلاش برزیل در جهت عضویت دائم شورا را در امکانات و مقدرات داخلی و پیوند مناسب آنها با سیاست خارجی بین‌الملل‌گرای این کشور و در نهایت کسب مافع ملی و بین‌المللی آن بدانیم، چگونگی این تلاش‌ها را می‌بایست در اجماع‌سازی بین‌المللی، پررنگ کردن نقش جهانی خود در عرصه‌های اقتصادی، رهبری گروه کشورهای در حال توسعه، تعریف نقش خود در درون رژیم‌های بین‌المللی، تاکید بر چندجانبه‌گرایی و به طور کلی مشارکت فعال جهانی جست‌وجو کنیم. برزیل خود را ناگزیر از حضور در باشگاه قدرت‌های جهانی می‌داند. توانمندی‌های داخلی و بین‌المللی برزیل، دولت‌مردان این کشور را مجاب ساخته است تا در سطح جهان سهمی بیشتر برای کشور خود تقاضا کنند. برزیل به مانند چین امریکای لاتین می‌ماند و تلاش دارد واکنشی غربی باشد به حرکت شتاب‌آلود اژدهای زرد شرق.*

یادداشت‌ها

۱. مجموع کشورهای واقع در امریکای لاتین که از مکزیکنامی به پایین را شامل می‌شود ۴۲ کشور است. منطقه امریکای لاتین شامل سه بخش است. امریکای مرکزی که هشت کشور از جمله مکزیکنامی را شامل می‌شود. حوزه کارائیب با بیست و یک کشور بیشترین واحدهای سیاسی امریکای لاتین را در خود جای داده است؛ هرچند برخی از این کشورها به معنای واقعی ذره‌ای بوده و مثلاً در حدود چهل و پنج هزار نفر جمعیت دارند. و بخش سوم امریکای جنوبی است که با سیزده کشور مهم‌ترین قسمت امریکای لاتین به شمار می‌رود. باید توجه داشت که وقتی از منطقه امریکای لاتین در چهارچوب مسائل سیاسی و اقتصادی صحبت می‌شود، بیشتر منظور جامعه امریکای لاتین با نام اختصاری سلاک (CELAC) است که دارای ۳۳ عضو از هر سه بخش بالا است.

۲. اصولاً بین ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی، تفاوت عمده‌ای وجود دارد. جغرافیای سیاسی اساساً تفسیری جغرافیایی از سیاست است، در حالی که ژئوپلیتیک تفسیری سیاسی از جغرافیا است. در واقع ژئوپلیتیک رویکردی پویاست اما جغرافیای سیاسی، رویکردی ایستا دارد و به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک متمرکز بر پیش از رویدادها است، اما جغرافیای سیاسی بر پس از رویدادها تمرکز دارد.

3. ST/ADM/SER.B/824, 2010.

4. roposal of G-4, A/60/L.46.

5. A/59/L.64, at: <http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=a/59/L.64>.

۶. کلوب قهوه نام دیگر گروه اتحاد برای اجماع است. گروه اتحاد برای اجماع در واقع متشکل از کشورهای رقیب منطقه‌ای گروه چهار و برخی دیگر از کشورها است. ایتالیا، اسپانیا، آرژانتین، کلمبیا، مکزیکنامی، کره جنوبی، پاکستان، مالت، ترکیه و کانادا اعضای اصلی این گروه را تشکیل می‌دهند. این کشورها ضمن مخالفت با طرح گروه چهار، به طور کلی با پیوستن اعضای دائم جدید در شورای امنیت مخالفت ورزیده و براساس مدلهایی که پیش از این مطرح شد، در پی افزایش اعضای غیردائم شورای امنیت هستند.

منابع

الف - فارسی

سخنرانی سفیر برزیل در تهران در همایش بین‌المللی اصلاح ساختار سازمان ملل. ۲ مرداد ۱۳۸۴. *روزنامه ایران*.

رفیعی، رفیع. ۱۳۷۴. *برزیل*، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. شمس‌الله، عظیمی. ۱۳۸۸. *خلع سلاح منطقه‌ای؛ با تمرکز منطقه‌ای امریکای لاتین*، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۸/۱۰/۲۶، قابل دسترسی در:

<http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/ArticleView/articleId/26/----.aspx>.

ب - انگلیسی

The World Factbook. 2012. Brazil, July. at: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/br.html>.

World Bank. Brazil, at: <http://www.worldbank.org>.

Schaffer, Teresita C. July 2009. "The United States, India, and Global Governance: Can They Work Together?" **The Washington Quarterly**. Macroeconomic Review. March 7, 2011. "Q4 2010, Outlook for Q1 2011", **Latin America Quarterly**.

La investigación muestra que Brasil invierte poco en la estrategia de la FAB , at: <http://g1.globo.com/jornaldaglobo/0,,MUL1412734-16021,00-PESQUISA+MOSTRA+QUE+BRASIL+INVESTE+POUCO+EM+ESTRATEGIA+NA+FAB.html>.

Brazil`s Military. 2010 at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/brazil/intro.htm>.

National Strategy of **Defense, Peace and security for Brazil**. 2008. Brazilian

Government, Ministry of Defense.

Brazilian Foreign Policy Handbook. 2008. Ministry of External Relations, Bureau of Diplomatic Planning, Brazilia.

"Brazil in the new international scene" by President Luiz Inácio Lula da Silva. January 21, 2005. **El País Newspaper,** at: http://www.elpais.com/?d_date=20050121.

Maria Luiza Ribeiro Viotti, Ambassador, Permanent Representative. February 2011. **Brazil in the Security Council,** at: http://www.un.int/brazil/book/conselhoSeguranca_index.html.

Assessment of Member States' contributions to the. December 28, 2010. **United Nations regular budget for the year 2011,** ST/ADM/SER.B/824.

G-20's Work programme, at: http://www.g20.org/pub_work_prog.aspx.

The Group of Twenty: A History, 18 November 2007, at: http://www.g20.org/Documents/history_report_dm1.pdf.

Kirton, John. 2011. **Brazil's Contribution to G20 and Global Governance, Co-director,** G20 Research Group, University of Toronto.

Economic Reform in this Era of Globalization. 2003. **16 country cases, Brazil,** Editing, design, and layout by Communications Development Incorporated, Washington, D.C., G-20 Secretariat.

International Labour Office, April 20, 2010. **G20 country brief, Brazil's Response to the Crisis, G20 Meeting of Labour and Employment Ministers,** Washington, DC.

Brasilia Declaration, 2007 at: http://web.archive.org/web/20070915141009/http://www.ibsa-trilateral.org/brasil_declaration.htm.

Lara de Arruda, Pedro. 2010. "**Lulism" After Lula: What to Expect from International and Internationalized Politics,** Published at IBSA site: http://www.forumibsa.org/resultado_artigo.php?id=96.

Hounshell, Blake. 2011. BRICs: A Short History, March/April, at: http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/02/22/brics_a_short_history?page=0,5.

Hawksworth, John and Cookson, Gordon. 2008. **The World in 2050 – Beyond the BRICs: A Broader Look at Emerging Market Growth Prospects,** Price water house Coopers.

Brazil Promotes Agribusiness Trade with Arab Countries. **February 2010. at:**

<http://en.mercopress.com/2010/01/31/brazil-promotes-agribusiness-trade-with-arab-countries>.

Rathbone, John Paul. November 9, 2010. **UK Backs Brazil Bid for UN Security Council Seat**, at: <http://www.ft.com/cms/s/0/6718897e-ec1e-11df-9e11-00144feab49a.html#axzz1QC5EKkZb>.

France backs Brazil for UN Security Council's seat. December 24, 2008. at: <http://www.punchng.com/Articl.aspx?theartic=Art200812242111846>.

France backs Brazil's permanent membership bid in UN Security Council. February 24, 2011. at: http://www.indymedia-letzebuerg.net/index.php?option=com_content&task=view&id=69499&Itemid=28.

Obama: Brazil's democracy example to Arab world, March 20, 2011. at: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/video/2011/03/20/VI2011032002359.html>.

Abdenur, Roberto. February 13, 2011. **Brazil Just as Worthy as India of President Obama's Support**, at: <http://worldmeets.us/estadao000039.shtml#axzz1QClA1eOf>.

EU Troika and Latin America Ministers meet in Luxembourg. May 26-27, 2005. at: <http://europa.eu/rapid/pressReleasesAction.do?reference=IP/05/601&format=HTML&aged=0&language=en&guiLanguage=en>.

Dilma Rousseff: Urgent Reform of UN Security Council. 2011. at: <http://www.undpi.org/World-News/Dilma-Rousseff-Urgent-Reform-of-UN-Security-Council.html>.

Russia supports UN Security Council reform. Dec 24, 2012. at: http://english.ruvr.ru/2012_12_24/Lavrov-Russia-supports-UN-Security-Council-reform/.

Proposal of G-4, A/60/L.46 at: http://www.reformtheun.org/index.php?option=com_content&view=article&id=14&Itemid=36.

Martini, Elisabetta. 2006. **UN Security Council Reform, Current Developments**, Institute of International Affairs, at: <http://www.iai.it/pdf/DocIAI/iai0926.pdf>.

Lund, Jakob S. and Safran-Hon, Daniel. March, 2008. **Third Round of Intergovernmental Negotiations on UN Security Council Reform Conclude**, at: <http://www.centerforunreform.org/node/407>.

UK-France Summit Declaration. 27 March, 2008. BBC News, at: news.bbc.co.uk/2/shared/bsp/hi/.../27_03_08communique.pdf.